

تفسیر در مقادیر تقاضا



تفسیر از تفسیر مهمی خود کالاست و موجب حدیث بر روی معنی

تفسیر در تقاضا

تفسیر از تفسیر در سایر معانی است و باعث انتقال معنی تقاضا

به حیب یا است می شود

حال بررسی می کنیم که کدام احوال معنی را به نسبت است و کدام احوال معنی

را به حیب منتقل می کند. (حکایت بعد)

حکایت هفتم ۲۵، ۹

سوال بازجو: در معنی تولد، صند کاهانای قفقای را که تولد

می کند و بعضی از آن قفقای را به دلیل بالا بودن دستزد کارگر در حال عمل

خود، با انتظاب ایست در یک کور دستگیر، اطامه عملیات تولیدی پسورد و بعد

در انتظاب، همون بهایی وارد بازار می شود.

Arman

۱ حال سوال من این است که ، آیا این امر ایجاب استقلال برای آن کشور نیز

۲ انجام می دهد ؟ آیا می توانیم در نهایت آن را کالای سرمایه ای حساب کنیم ؟

۳ صدها سال پیش ، یعنی از قطعات خود را به جهت دستبرد کارگر که با این است ،

۴ در مکزیک سود زده است و بعد در اینجا تحت لایسنس قدری دهند یا صدها

۵ کمترین نیز برای رسیدن کشورها در صورت امکان در این مورد توضیح بیشتری

۶ بفرمایید :

۷ پاسخ اول : همانقدر که ابداً گفته می شود ممکن است یعنی از تولید یک طایفه

۸ یک کشور ثانویه انجام شود بدلیل آنکه می خواهد هزینه عوامل تولید از آن قسمت

۹ است تمام کنند ، محصول خود را یعنی قطعات محصول خود را بکشور دیگری می فرستند

۱۰ و در آن کشور به کالای معرفی تبدیل می شود و بعد در بازار عرضه می شود

۱۱ این موضوع در ارتباط با ساختن های فلان اقتصادی مثل تولید ، نه وارد تولید

۱۲ ملی را بکار ببریم ، وارد های دیگری نیز وجود دارد که بعد در اقتصاد و طلال

۱۳ صحبت می کنیم . اما کار تولید ناخالص ملی ، تولید ناخالص داخلی نیز داریم ، همین

۱۴ Arman

1  
2 تولد خالص ملی نیز داریم با تولید خالص داخلی و وارداتی که این نسبت که

3 فعلاً نمی خوانیم ذهن شما را مستقر کنیم. مثل GDP.

4 ممکن است کم و بسیر بعضی از شما عزیزان، با این ولدها اگر این داشته باشید

5 نکاتی که در مورد سوال خود مطرح کرد بود، این ولدها، لحاظ می کنند.

6 وی بفرم کنید این را بگویم که این است آن قفلات تولید در کشور مورد نظر جزو

7 تولید ملی ما، محسوب می شود. به این دلیل که این قفلات صادر می شود و

8 کالای نهایی برای کشور ما حساب می شود. حال این قفلات به کشور دیگر

9 ارسال می شود در اینجا عملیات دیگری در برگیرنده انجام می شود و صادرات می شود،

10 خودی. مثلاً قفلات خودی در ایران اضافه می شود و در کشور دیگر می شود

11 و تبدیل به خودی می شود.

12 حال آن بعضی از کسانی که به این نسبت کالاهای وارداتی اضافه می شود، جزو

13 تولید ملی کشور هم به حساب می آید ولی نسبت قفلات صادراتی، جزو کالای

14 جهانی حساب می شود و جزو تولید ملی ما محسوب می شود. و ما تفاوت

Arman

۱ ارزش آن گاهای بهایی تولد شده در کوه دهم، بالدریس عقبات گاهای  
 ۲ ولداری جزو گاهای بهایی کور نوم و جزو تولد ملی آن کور، محسوب  
 ۳ می‌شود. یعنی با تفاوت آن جزو تولد ملی کور نوم حساب می‌شود.  
 ۴  
 ۵

۶ سوال دوازدهم) ایام نام نویسی هم جزو تولد ملی به حساب می‌آید؟  
 ۷ پاسخ: اگر بله. ولی طبیعتاً، ارزش اقزوده‌ای که باید داشته باشد  
 ۸ ندارد. در واقع نباید مواردی که کارهای را انجام می‌دهند و صرفاً ارزش اقزوده  
 ۹ جدید خلق می‌کنند و این می‌رسد به دست معبر گذشته بهایی  
 ۱۰

۱۱ حال اگر به این موارد اخصی کار خاصی اوری آنها انجام ندهند مثلاً زعفران را  
 ۱۲ بصورت فله‌ای و بدون بسته‌بندی صادر کنند یا زرشک را با صلا سبک را  
 ۱۳

۱۴ (موردی هستند که حاصل فرداوری می‌بخشند و می‌توانند ارزش اقزوده‌ای  
 ۱۵

۱۶ که می‌توانند خلق کنند) این گاهای عادی حاصل از ارزش اقزوده، لغیب  
 ۱۷ آن کورهایی می‌شود که این می‌سازد را در آن محصول انجام می‌دهند  
 ۱۸

۱۹ ارزش گاهای صادراتی و ارزش صادراتی آن موارد نام و آن گاهایی که بسته‌بندی  
 ۲۰

۱  
 ۲ زبانه و با آنها حاصل کرده ام جزو تولید ملی است ولی می تواند تولید  
 ۳ ملی را تقویت کند از این افزایش دهد ولی صافانه ، لذت بخش اقلام جدیدی  
 ۴ می رود در عیب تولید ملی آن گوی که این عملیات را می توان انجام داد  
 ۵ این مصطلحات را با در مورد محصولاتی که مثال زدیم داریم  
 ۶ در حالی که منتشر شده بود ، نسبت صادراتی نسبت به کشور چین و بعد در کارخانه های  
 ۷ سنگبری عمیق چین ، روی آن کاری شد . نسبت صادراتی نسبت به کشور خود را  
 ۸ یعنی نسبت عبور ماده و عبور نیروی که می توانست لذت بخش اقلامی را خلق  
 ۹ کند ، به چین صادراتی شد و بعد به نوبه به کشورها ، وارد می شد  
 ۱۰ این نشان دهنده عملی است که ما در فرایند تولید داریم . و بعضی های صادراتی  
 ۱۱ و فادها و منافع نیروهای خاص ، بحسب فضای کسب و کار ، قوانین و مقررات  
 ۱۲ یعنی که در این زمینه وجود ندارد و این را اگر  
 ۱۳ البته در بعضی مواقع مثل تکنولوژی آن نیز هست . البته تکنولوژی را عبور  
 ۱۴ چیزی در خیلی از محصولات نداریم ولی آن را تسخیر می توان و باید کرد و می شود که  
 ۱۵

memo  
No. da va  
Ye

۱  
۲ واردات تکنولوژی دانش و بیان تکنولوژی می تواند در فرایند بومی سازی شود و  
۳  
۴ آن دانش فنی وارد شده می تواند فرایند کمتر پس خود را حل کند.

۵  
۶ در هر حال، مسأله تکنولوژی نیز سر جای خود هست.

۷  
۸ سوال دانشجو: معنی بود در مورد کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه ای.

۹  
۱۰ لغتم که هر چه در تولید به نسبت کالای سرمایه ای برود می تواند باعث رفاه اقتصادی شود

۱۱  
۱۲ با همان بحث نمودی که می تواند به نسبت راست متقل شود. حال سوال من

۱۳  
۱۴ این است که این کالای سرمایه ای تابع جدی تواند باشد. یعنی اگر در حالت

۱۵  
۱۶ عالم و غیر ممکن، عدد در تولید را (سایر یعنی کورهای برخی محمولات خاص)

۱۷  
۱۸ خود را به نسبت کالای سرمایه ای رتبه باشد) به نسبت کالای سرمایه ای برود

۱۹  
۲۰ می تواند تأثیر مکتوس داشته باشد؟ بالاضرفه بگیری کالای مصرفی نیز اثر

۲۱  
۲۲ مخالفه صرفاً وارد شود و تولید شود و صرفاً کالای سرمایه ای باشد، آیا اثر

۲۳  
۲۴ مکتوس ندارد. روی همان بحث رفاه اقتصادی

۲۵  
۲۶ با ادعای استوار) نه بلکه خوبی است که کردید. آن جمله ای که لغتم را خیلی بازتر

۲۷  
Arman

نگردم و ابعاد غنای آن را توضیح ندادیم. اگر کسی بدین منابع را به

صرف و به نسبت تولید کالاهای سرمایه‌ای لغت دهد تا تولید کالای مصرفی،

این رشد اقتصادی بدیستری را می‌تواند داشته باشد.

این نکته که دانشجو مطرح کرد نیز می‌تواند نکته دیگری باشد و بالاخره اصیاح به

باید تقارن می‌باشد. و نمی‌شود تمام کالای مصرفی را تولید کنیم و فقط کالای

سرمایه‌ای تولید کنیم. متفکرین اعملاً این امر نبود و بالاخره یک تقارن باید برقرار

باشد. اما هم از دیدگاه خرد و هم از دیدگاه کلان می‌توان دلیل باشد نظر کردن

حزینان که ممکن است می‌شود می‌توان این مطلب را بیان کنیم.

در بحث خرد هم اگر نگاه کنیم، ما اگر به اندلی داشته باشیم، این خانواده اگر

تولید کنند ما را، منابع را می‌تواند به نسبت تولید ببرد، سرمایه‌اندلی کند واره عمل

در امر حاصل کند سرمایه‌اندلی، نیازهای مصرفی خانواده خود را تأمین کند و هم

می‌تواند آن درآمد را بدین سرمایه‌اندلی مستقیماً صرف مصرف خانوار خود

کند. طبیعی است که هزینه اولی مطلوب تر می‌باشد که به آن رسید و حاصل از

Arman

سرمایه اندیزی، نیازهای معرفی خود را آموختن کنید تا اینکه حقیقتاً منابع  
خود را مصرف کنید. بالای معرفی که بعضی نیاز دارند، کنید.

حال در ادامه صحبت در این می پردازیم  
تابع تقاضا معرفی کردیم و گفتیم که وقتی صحبت از تقاضای سود، بحث تابع  
نه خرید و قدرت خرید، در ۲ سطح است.

و گفتیم که تقاضا را (حرف اولش  $Q$  می باشد) بالای  $Q$  (که حرف لیل

(Quantity) می باشد، نوشتیم. معادله تقاضای بالای  $Q_1^d$

$P_1$  و گفتیم که تابعی است که قیمت خود را کالا

و تابعی است که کالاهای مرتبط (متغیر از کالای مرتبط، کالای جانشین و

مکمل می باشد)  $P_2, \dots, P_n$

$T$  تابعی است که از درآمد  $I$  تابعی است که از سلیقه

$p_{e1}$  تابعی است که از تبلیغات  $A$  تابعی است که از انتظارات

Arman



و گفتیم که می توانیم به سه دسته تقسیم کنیم

مصنف های استنادی

مصنف هایی هستند که توسط بنامها قابل کنترل هسته و سائل

✓ عبت خود کالا ✓ تبلیغات کالا ✓ طرح و بسته بندی امراکز فروش

مصنف های معرف کننده که سائل

✓ در معرف کننده ✓ بسته و تجهیزات ✓ انتظارات

مصنف های رقابتی تولید کننده محصول که سائل

✓ قیمت کالا های مرتبط ✓ هزینه تبلیغات روی کالای مرتبط

✓ طرح و نقش کالای مرتبط ✓ امراکز فروش و خدمات پس از فروش کالا  
مرتبط (جانشین سائل)

در ادامه بحث با تعارض، جدول تعارض را گفتیم و

گفتیم که در جدول و نمودار تعارض، قیمت را عنوان مهم ترین عامل موثر بر

تعارض روی محور عمودی و مقیاس روی محور افقی نشان می دهیم. و گفتیم

Arman

عوامل اسوقع رسم محدود تقاضا، ثابت فزون می کنیم وقتی روی منحنی

هدایت می کنیم را اصطلاحاً تقسیر در مورد تقاضا داریم ولی وقتی که سایر

عواملی که ثابت فزون بوده تقسیر کنند، طبیعتاً مورد به سمت راست یا  
چپ منتقل می شود که به آن تقسیر در تقاضای کورسید

حالت تکلیف می گیریم

حیطل تقاضا، همان جدولی است که رابطه میان قیمت و مقدار تقاضا را

به شکل ثابت جدولی را در این شکل می دهد و معنی تقاضا، ارتباط

را در حالت مورد نظر می دهد.

حال تابع تقاضا در حالت ۲ متغیره می باشد

$$Q_n^d = a - bP_n$$

اگر  $b > 0$  چون ضریب منفی است

شان دهنده آن است که رابطه عکس بین مقدار تقاضا و قیمت وجود دارد.

و قانون تقاضا صادق است و کالا، کالای عادی است.

اگر  $b < 0$ ، کالا تبیلی به کالای کفین می شود که قانون تقاضا تقصیر می شود

Arman

$$Q_n^D = a - bP_n$$

در حال یک فرد نویسن تابع تقاضا

مانند مطلق است که  $Q$  تابعی است از  $P$

$$P_n = \frac{a}{b} - \frac{1}{b}Q_n^D$$

مگر است که  $P$  را تابعی از  $Q$  بنویسیم:

حال به مثال کتاب می پردازیم: صفت ۲۷

اگر تابع تقاضا بصورت خطی باشد، وقتی ۲ نقطه از یک خط را داشته باشیم

$$A(P_n = 1, Q_n = 12)$$

می توانیم خط را رسم کنیم.

$$B(P_n = 2, Q_n = 10)$$

فرض کنیم که ۲ نقطه  $A$  و  $B$  را داریم.

$$Q_n^D = a - bP_n \begin{cases} A \rightarrow 12 = a - b \\ B \rightarrow 10 = a - 2b \end{cases}$$

$$\Rightarrow b = 2 \Rightarrow a = 14$$

$$\Rightarrow Q_n^D = 14 - 2P_n$$

تابع تقاضا

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷

اگر هاشمی و ده امیری را بعد از تقسیم

کتاب تقسیم قاضا و تقسیم مقدمه قاضا را می توانید در کتاب مطالعه کنید

کتاب در مقدمه تقسیم بندی کالاها را نیز مطالعه کنید.

سوال ( تقسیم بندی کالاها ، از نظر لفظی با چه مواردی شامل می شود )

جواب:

۱- دسته کالای بیست و نه سال تقسیم می شوند و کالای بیست

دوازده دسته کالای ضروری و دوازده تقسیم می شوند

حال می خواهیم بدانیم که عواملی را که ما می بینیم چگونه می توانسته به این

تقاضا و دربارتند ؟

همانطور که قبلاً گفتیم وقتی با افزایش درونی صورت می گیرد تقاضا برای

کالای مانند برنج افزایش یا کاهش پیدا کند .

اگر تقاضا برای برنج کاهش پیدا کند به آن کالای بیست می گویند

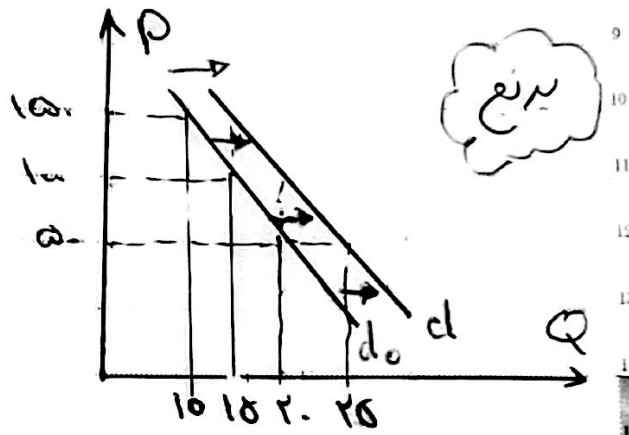
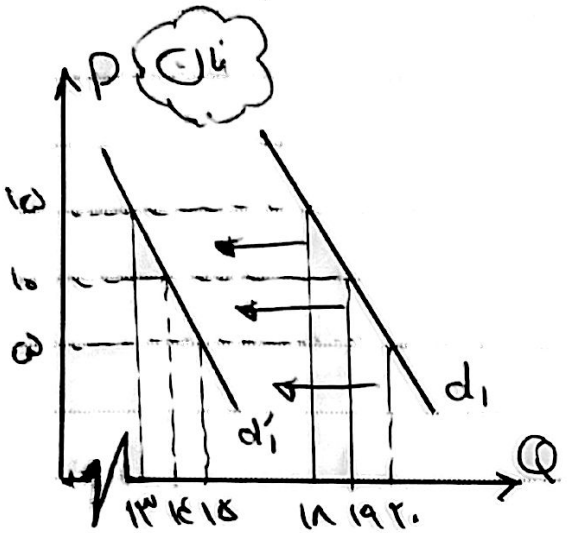
اگر تقاضا برای برنج افزایش پیدا کند آن کالای بیست و نه می گویند

حالت انقباضی، به سمت راست منتقل شود یعنی تقاضا زیاد شده است

علت این امر که می‌توانیم، افزایش تقاضا به معنی انفعال نمودن به سمت

راست است این است که در هر سطحی از قیمت که در نظر بگیریم، مقدار یا

مقدارها مقداری بیشتری را تقاضا می‌کنند



مثلاً فرض کنید که در نمودار بالا، قیمت برنج ۱۰ باشد، مقدار تقاضا

۲۰ است. اگر درآمد افزایش یابد در هر قیمتی مثل قیمت ۱۰، مقدار

تقاضا بیشتری شود و در تقاطعی که داریم به سمت راست منتقل می‌شود

و نمودار تقاضا، به سمت راست منتقل می‌شود.

وقتی نمودار تقاضا به سمت راست منتقل می‌شود یعنی سین تقاضای

تقاضا زیاد شده و وقتی نمودار تقاضا به سمت چپ منتقل می‌شود

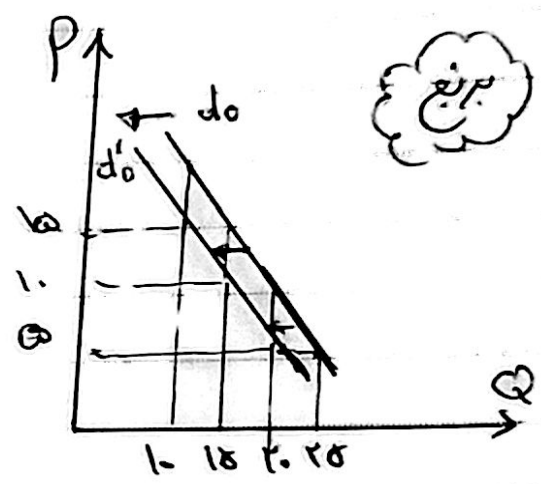
Arman

یعنی تقاضا کم شده است.

یعنی که عواملی که می تواند مورد تقاضا را متغیر کند باعث شده است. اثر

کالا ندرال است، نمودار تقاضا به سمت راست و اثر کالا نسبت به آن

نمودار تقاضا به سمت چپ می رود. (بابت مثال نان در شکل قبل)



ها تصور کنید مثلاً کفیم به صورتی نمی توان گفت که یک کالا، همیشه نسبت است یا ندرال

یا ندرال است، خودروی است یا لکسی. نسبت به طبقه ای دیگر که خانوار در آن زندگی می کند

در شکل قبل، ما افزایش داده، تقاضا برای نان کم شده در عوض تقاضا برای

در رفع افزایش یافته است، (نان - کالای نسبت) برنج - ندرال (عکس قبل)

Arman

ممکن است حتی برای مدت طولانی زمان، یک کالای لذت‌بخش ندرال بودن یا

سبب بودن ماهیت آن عوض شود.

اگر درآمد ما پایین باشد، با افزایش درآمدان تقاضای برای یک کالا ممکن است

به نسبت افزایش یابد که در تصویرت به آن کالا کالای لوکس می‌گوئیم.

همی جلوگیری رویم با افزایش درآمد تقاضای برای آن کالا افزایش می‌یابد ولی نه با

نسبت قتل که در این حالت، کالا تبدیل می‌شود به کالای ضروری.

و بعد حتی درآمدان ما زهم بیشتر شود، تقاضای برای آن کالا ممکن است

کم شود. که در تصویرت آن کالا تبدیل به کالای نسبت می‌شود.

نکته: در سطح پایین درآمدی، بجز کالاهای لوکس هستند

به صورت ندرال و با افزایش درآمد، به کالای ضروری تبدیل می‌شوند

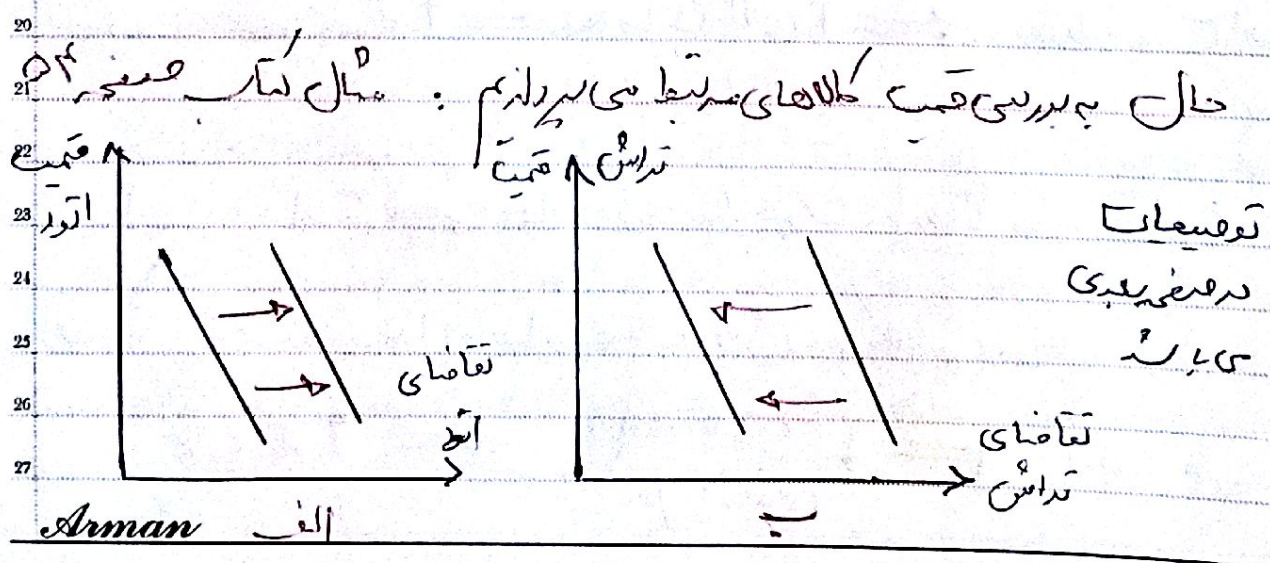
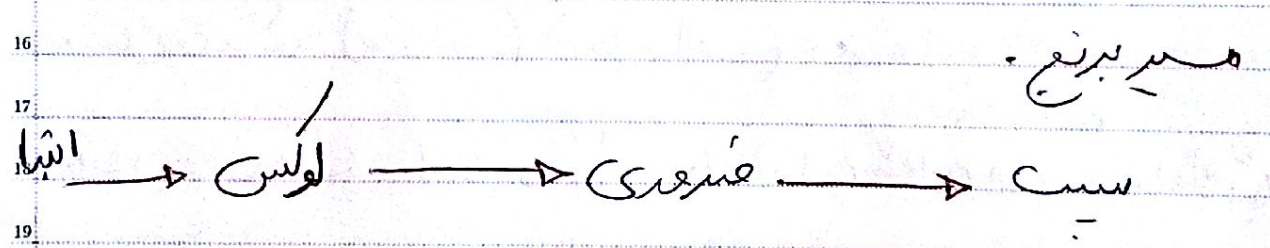
و بعد با افزایش بیشتر درآمد، به کالای نسبت تبدیل می‌شوند.

در مثال قتل: همان برنجی که گفتیم که اصلاً برنج با کیفیت پایین

نیز می‌تواند برود، وقتی درآمدش افزایش می‌یابد تقاضای برای برنج صلا

Arman

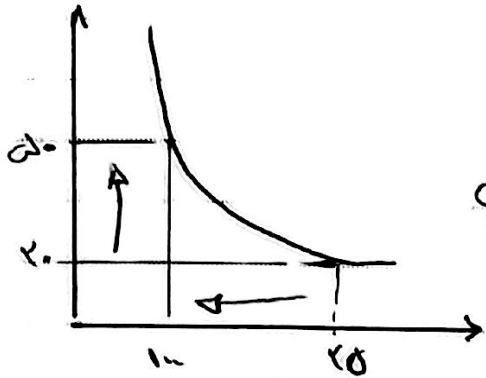
1  
 2 ماتریزی به نسبت زیاد می شود - و آن کالا، کالای لوکس خانوار به حساب  
 3  
 4 می آید. بعد که وضع درآمدی آن خانوار که بهبود پیدا می کند می تواند در کنار آن برنج  
 5 نامرغوب، برنج مرغوب نیز وارد به غذای خود کند و تقاضای خود را با افزایش  
 6  
 7 درآمد برای برنج نامرغوب هم افزایش دهد ولی نه با آن نسبت قبل  
 8  
 9 حال برنج پر اسع کالای ضروری می شود. با افزایش مقدار درآمد می تواند  
 10  
 11 برنج نامرغوب را کمی کمتر حذف کند و تقاضای خود را کم کند.  
 12  
 13 در این حالت برنج نامرغوب می شود کالای نسبت  
 14  
 15





۱- مبالغه صادراتی لازم است و عند نیاز تقاضای آن مطابق زیری باشد

۲- کالای دلخواه نیز خریدار هم داشته



۱- صادرات خود به کالای جانبی صادراتی

۲- صادرات ترانس به کالای مکمل

اگر فرض کنیم در قیمت ۲۰ باقیمانده و قیمت صادرات افزایش پیدا کند، تقاضا

برای صادرات کم می شود و ممکن است در کل تقاضا برای کالای جانبی

صادرات خود (اتود) افزایش پیدا کند. در نتیجه نمودار به سمت راست

منتقل می شود (برای اتود) تسطح الف) صفحه قبل

بنابراین وقتی قیمت صادرات برای خود، تقاضا برای کالای جانبی افزایش

می یابد - قیمت صادرات ↑ ← تقاضای کالای ↑ ← نمودار به سمت راست  
جانبی (اتود)

حال به معاملات کاهش تقاضا برای صادرات خود، طبیعتاً نیاز به ترانس

نیز کمتری شود و تقاضا برای صادرات ترانس نیز کاهش می یابد

قیمت صادرات ↑ ← تقاضای کالای ↓ ← نمودار به سمت  
مکمل (ترانس)

Arman

به عبارت دیگر ✓

با افزایش قیمت یک کالا، تقاضا برای کالای مکمل آن کم می شود و منفی

به نسبت به متغیر می شود. ولی تقاضا برای کالای جانشین، زیاد

می شود و منفی به نسبت راست متغیر می شود.

کالای جانشین ← تقاضا افزایش می یابد ← نمودار به راست می رود

آن کالا

افزایش قیمت

کالای مکمل ← تقاضا کاهش می یابد ← نمودار به چپ می رود

آن کالا

کاهش قیمت

سین لغورت خلاصه

سوال دانشجو: انچه می گویم نمودار به راست راست متغیر می شود ✓

ممكن است که نمودار دسترس نباشد (به مقدار کافی). می تواند به جای آن

به نسبت راست متغیر شود، نسبت نمودار بیشتر شود ✓ به عبارت دیگر ✓

عقد نسبت نمودار کمتر است یا بد، می توانیم ادعا کنیم که نمودار به راست رفتن است ✓

Arman

1 جواب ( انہ سے ہی تو ہم بہ نسبت راست یا چپ ، لہذا یہ معنی انتقال مولیٰ ،

2 نسبت . یعنی ممکن است وقتی متعلق ہی سود ، نسبت آں نیز کمی تفسیر کند .

3 کہ سبھی بہ سائر عوامل دلہد کہ اللہ اولہ آں کتب ہی تو ہم

4 ولی بہ ہر حال وقتی ہی تو ہم نسبت نمودلہ افتد اسس ہی باید ، اندر نمودلہ نمودلہ

5 تقاضا یا نہ ، یعنی نمودلہ بہ نسبت چپ متعلق نہ اس و لی نہ تصور

6 مولیٰ - در واقع خبر آں با انتقال نسبت آں نیز زیادہ اس

7 حال بہ ادامه کتب ہی نمودلہ ہم

8 اندر سوال یا بر عکس ہی ہم یعنی البر قیمت کالای ہم سود ، تقاضا برای کالای

9 حائزین یا ممکن آں بہ ہم نسبت متعلق ہی سود

10 این را نیز ہی تو ہم جواب دہم . (دقیقاً بر عکس اتفاق ہی افتد)

11 کالای کللی (تدریس) تقاضا افتد اسس ہی باید نمودلہ بہ راست

12 کالاس

13 قیمت

14 کالا

15 تقاضا کالاس ہی باید نمودلہ بہ چپ

16 حائزین

17 (مدارجہ)

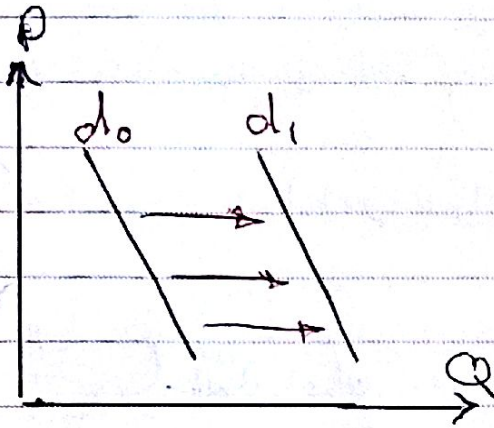
18 (الود)

Arman

یکی دیگر از عواملی که در تقاضای دلار دلد، انتظارات است.

در کتاب به انتظارات قیمتی اشاره کرده است. می توانیم انتظارات درامدی

را نیز به آن اضافه کنیم.



اگر انتظارات افزایش قیمت کالای را داشته باشیم

طبیعتاً تقاضا برای آن کالا افزایش می یابد

و نمودار به سمت راست منتقل می شود.

این انتقال نمودار تقاضا به سمت راست می تواند ناشی از انتظارات افزایش قیمت آن

کالا باشد. مثلاً بخواهیم پیش می شود و این بخواهیم روی انتظارات مردم اثر

بگذارد و تقاضا برای کالا را تحت تأثیر قدرتی دهده

برای مثال اگر انتظارات داشته باشیم که دلار اندران شود، خیلی افراد در صفت

فروش دلار می روند و برای آنکه از آن اجتناب قیمت دلار، معموً عبارتند، دلار خود را

عزفنه می کنند و نمودار تقاضا برای دلار کم می شود که باعث می شود دلار باقیمت

پایین تری بگیرند. یعنی انتظار کاهش قیمت دلار نمودار تقاضا برای دلار را

Arman

1  
2 ماهی می دهد و غنودار پس به سمت چپ انتقال پیدا می کند .

3  
4 این جهت را در معده صلبی از کالاهای توانیم مطرح کنیم . دلار، سکه و کالاهای

5  
6 معوضی و سرمایه ای با درآمد ، کالاهای معوضی و سرمایه ای بی درآمد

7  
8 که کامله در جامعه ما با این سرمایه که داریم طی می کنیم ، برای هم قابل لمس می باشد

9  
10 انتظار افزایش قیمت کالا ، نمودار به سمت راست منتقل می کند .

11  
12 انتظار کاهش قیمت کالا ، نمودار به تقاضای کالا به سمت چپ منتقل می کند

13  
14  
15 به این دلیل است که فعالان اقتصادی یا مصرف کنندگان ، در مورد کاهش

16  
17 تقاضای خواهند داشت قیمت های آینده ، بهر چه بپسندند و آنهایی که در شرایط افزایش

18  
19 قیمت می خواهند تقاضا را بالا ببرند ، می خواهند از آن افزایش قیمت می که در آینده

20  
21  
22 قیمت است رخ دهد خود را معقول ندانند دارند .

23  
24 سوال دانشجو :

25  
26 نسبت نمودار هم موقع کم و زیاد می شود ؟ یعنی اگر فرض کنیم که مقدار تقاضا در تمام

27  
Arman

۱ زیاد شود و نمودار به سمت راست میل پیدا کند، نسبت نمودار جلوه کم و زیاد می شود

۲ سرعت تقاضا، نسبت را کم و زیاد می کند، قیمت، افتادن بین آنها

۳ پاسخ: در اینجا بحث نسبت زیاد راهمی ندارد. <sup>و وارد نمی شویم</sup> فقط می توانیم به وقتی نمودار

۴ به سمت راست منتقل شود ممکن است همزمان نسبت آن نیز تغییرات

۵ داشته باشد و لیجورک مولاری منتقل شود

۶ اگر نموداری به سمت راست منتقل شود، ممکن است همزمان نسبت نیز کمی

۷ کم شود. اگر نسبت زیاد شود، طبیعتاً نمودار به سمت چپ می رود و کاهش آن

۸ به معنی انتقال نمودار به سمت راست است.

۹ تا اینجا، بحث انتظارات و نرخه اندران روی انتقال نمودار تقاضا را مطرح

۱۰ کردیم. حال لذا شعبان می خواهیم که تکرار کنند

۱۱ سؤال لذا شعبه: انتظار کاهش قیمت، نمودار را به چپ منتقل می کند

۱۲ پاسخ: انتظار افزایش قیمت نمودار را به سمت راست

۱۳ انتظار کاهش قیمت، نمودار را به سمت چپ منتقل می کند

Arman

در مورد انتظارات می توانیم انتظارات درامدی را نیز مطرح کنیم. در کتاب فقط  
 به انتظارات قیمتی اشاره شده است. ولی با انتظارات درامدی را نیز  
 می توانیم به بحث خود اضافه کنیم.

انتظارات درامدی نیز دقیقاً شبیه همان بحث نزیال ولیست بویل است ولی در  
 آن نزیال هست، بستی دارد که ضررهای ما را با لوکس  
 که کالای ما، کالای نزیال باشد، انتظار افزایش درامد، باعث می شود به  
 تعافنا برای کالا افزایش یابد.

مثلاً قدر است مستقل در کالای ما است یا قدر است که ماه آینده حقوق ما  
 افزایش یابد یا به عبارتی قدر است که ماه آینده معقول به کار شویم  
 این افزایش درامد هموز اتفاق بیوفتاده. انتظار افزایش درامد داریم که این  
 انتظار ممکن است روی بهار مصرفی فعلی ما اثر بلند مدت و مایه در هم کالای نزیال  
 بیستتری می کنیم و تعافنا خود را برای کالای نسبت کاهش می دهیم (یعنی)  
 انتظار افزایش درامد تعافنا برای کالای نزیال را بالایی ببرد و هموار به راست می رود.

Arman

۱  
۲ وانتظار ماهی در آمد ، تقاضای برای کالای نسبت را کاهش می دهد .

۳  
۴ توقیف دقیقاً نسبت به همان متغیر درآمد

۵  
۶ وقتی انتظار تقسیم درآمد را داشته باشیم می توانستیم همانند تقسیم درآمد، اثر خود را  
۷  
۸ خال دهد .

۹  
۱۰ حالت را بر عدول را بررسی می کنیم

۱۱  
۱۲ عبارت نسبت و در حال

۱۳  
۱۴ اثر نسبت با به خرید یک کالا سوخت به اندازه خود را تقاضای آن کالا به نسبت راست

۱۵  
۱۶ متقل می شود و اثر نسبت با از خرید کالای نزدیک شود (به دلیل مختلف)

۱۷  
۱۸ غیر قابل تقاضا به نسبت متقل می شود .

۱۹  
۲۰ دانستیم برای این مورد ، مثال در بین نهائی می آید .

۲۱  
۲۲ عبارت در بین های نهائی می ، عبارت نسبت . عبارت نسبتی هستند که

۲۳  
۲۴ یکدیگر کالا را از بازار خارج دیگری کالاها را به بازار عرضه می کند .

۲۵  
۲۶ عامل دیگری : تغییرات :

۲۷  
Arman



تَبْلِغَاتِ نِزَمِي تَوَانْدَ بِ هَمِي صَوْرَتِ رَوِي اِنْتِقَالِ عَمُوْدَلَرِ بِ سَمْتِ رَاسِتِ  
بَآيِبِ اَنَدَلَدَلَرِ بَالِ ؟

دَر مَوْرِدِ سَلِيَقَه وَ رَحْمَتِ اَنْبِيَايِ كَلِمَاتِي دَر سَطْحِ كَلِمَاتِ هَمِي مَدْتَقَرِ هَسْتِ  
وَ اِنْ مَبْتِ نَقَا مَآ بِرَآيِ فَرِيْشِ دَر سِتَافِ اِيْرَانِ هَسْتِ . نَه تَوَلِيْدِ كِتَابَانِ مَآ  
بِه تَقْسِيْرِ سَلِيَقَه مَعْرِفِ كِتَابَانِ خَارِجِي دَر مَوْدِ زَمَانِ عِبَانِي دَاوَنْدِ وَ بَ تَوَلِيْدِ

فَرِيْشِ مَآ اِحْوَالِ عَرَجِ وَ لَقِيْمَه وَ زِيْنِي كَه قَبْلَه بُوْدَه ، اَلَا مَد دَاوَنْدِ وَ مَتَوَجِّهْ بَ سَبْزَه نَه بِ مَرُوْرِ

زَمَانِ ، مَآ بَازِلَرِ دَلِيْلَرِ دَر سِتَافِ اِيْرَانِ خَارِجِي مَسْئُوْرَه وَ كُتُوْبِ هَمِي دَلِيْلَرِ نَه بِ تَقْسِيْرِ

سَلِيَقَه ، اَهْمِي مِي دَاوَنْدِ سَحْمِ بَازِلَرِ اِنْفَآرَآ دَلِيْلَرِ مِي كَسْبِنَه وَ سَحْمِ اِيْرَانِ

رَا دَ بَازِلَرِ عِبَانِي فَرِيْشِ لَمَّا اِيْرَانِ كَرْمِيْنَه

اِيْنِ كَلِمَاتِي مَسْأَلِ بُوْدِ دَر حَبِيْبِ اِنْتِهَ كَمِيْبِي لَه ، اَز دَسْتِ رَقِيْشِ سَحْمِ بَازِلَرِ مَادِرِ

فَرِيْشِ دَر سِتَافِ ، دَ بَازِلَرِ عِبَانِي ، عَدَمِ تَوْجُّهْ بِ تَقْسِيْرِ ذَالِقَه وَ سَلِيَقَه ، مَعْرِفِ كِتَابَه

عِبَانِي بُوْدِ . وَ قَتِي نَه سَلِيَقَه خَارِجِي اِيْرَانِ تَقْسِيْرِ سَلِيَقَه تَقَا ضَآ بِرَآيِ اِيْنِ كَلِمَاتِي

قَدِيْمِي ، كَاهَمِي بِيْرَآيِي كُنْدِ . مَكْنِ اِسْتِ خُوْرُ كَالَا وَ ذَاتِ كَالَا قَدِيْمِي كُنْدِه بَارِ ؟

Arman

۱  
 ۲ ولی طرح و نت ای که در آن به کار می رود باعث می شود که معرف کستان  
 ۳  
 ۴ آن سبب و سبب را دستگیر کنند و تقاضا برای آن کالا را کاهش دهند  
 ۵  
 ۶ دانشجو را این که به لحاظ تجربه می تواند مثال هایی برای معادلات گفته شده  
 ۷  
 ۸ بنویسد در رفع نکته و موارد تجربی در آن را ببینیم و استقامت کنیم  
 ۹

۱۰ عوامل بعدی بحث جمعیت بوده

۱۱ در کتاب بحث جمعیت را نیز گفته و در دل آن عوامل دیگری را نیز مطرح کرده است  
 ۱۲

۱۳ مانند همان طرح و نت و تعداد عرضه کستان کالا و خدمات فروشن و پس از  
 ۱۴

۱۵ فروشن ، این عوامل نیز موثر است . یک مثال دیگر توسط دانشجو  
 ۱۶

۱۷ با فرهنگ سازی که انجام رده ، سلیقه مردم از دست روغن جامد به دست  
 ۱۸

۱۹ روغن مایع روغن پیدا کرد  
 ۲۰

۲۱ مثال دانشجو: هم شرکت مایلدیوسافت و روغن فزرای نامیم . قبل از آنکه  
 ۲۲

۲۳ روغن به روغن بود و در بازار بود ، اغلب بیمه ها ، برای ارتباط با کاربر  
 ۲۴

۲۵ نرم افزارها صورت تالیی بودند مانند NC یا Dos و کاربر برای آنکه ولرد  
 ۲۶

۲۷ Arman

فولدرها بود، بنا بر اینست که قلم اسم فولدر را و دایرکتوری را تأیید کند. و آن فایلی که می خواست را باید عین کلمه را بنویسد تا بتواند فولدر آن شود. بوی نزدیک که فولدر آمد و سوختن شد اگر این بود که کاربرد نوشتن است باید و در محیط گرافیکی بدون آنکه فقط با اسم فایل را، با کلیک کردن بتواند داخل پوشه ها برود. این امر، موردس لغت عطفی بود که بعد از معرفی و بنویسد امری، استقبال خیلی زیادی از این نرم افزار بود و به سرعت به نام های NC - DOS که قبلاً بودند، مجهز شدند. که این امر در لغت، توجه به سلفه کاربرد بود و در جهت چیزی بود که

دیدی چیزی بنویسد.

باید ساخت - مثال خوبی بود.

باید گفتی دیگر در یک معاصره، بیل کسین گفته بود که برای آنکه راحت ترین راههای استفاده از نرم افزارها را پیدا کند، مهندسین تنبل را استخدام می کند. چون تنبل ها، ساده ترین و موثرترین راهها را برای انجام کارهای خود، انتخاب می کنند.

تابع تقاضای بازار و در نهایت آن با تابع تقاضای انفرادی

عمود بر تقاضای بازار جمع افقی، عمود بر تقاضای تک تک مصرف کنندگان است.

اگر تقاضای بازار را با  $D$  نشان دهیم:

$$Q_m^D = (Q_m^d)_A + (Q_m^d)_B + \dots$$

جمع تقاضای تک تک افراد یا تک تک مصرف کنندگان است

اگر کلاسی  $L$  با  $۲$  نفر مصرف کننده  $A$  و  $B$  داشته باشیم، تقاضای

بازار، جمع تقاضای  $A$  و  $B$  می شود.

$$Q_m^D = (Q_m^d)_A + (Q_m^d)_B$$

حال اگر  $(Q_m^d)_B = ۱۴ - ۲P_m$  و  $(Q_m^d)_A = ۱۴ - ۲P_m$

یعنی تقاضای هر  $۲$  نفر  $A$  و  $B$  یکی باشد. این در حالی اتفاق می افتد که

بهر  $۲$  نفر مصرف کننده  $۲$  نفر داشته مصرف کننده اول باشد، یعنی

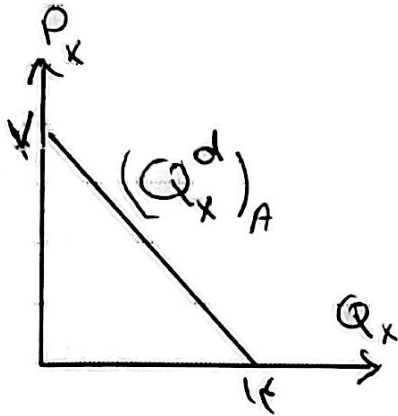
سینه و تبرج و درآمد... یکی باشد، تقاضای بازار می شود.

$$Q_m = ۱۴ - ۲P_m + ۱۴ - ۲P_m = ۲۸ - ۴P_m$$

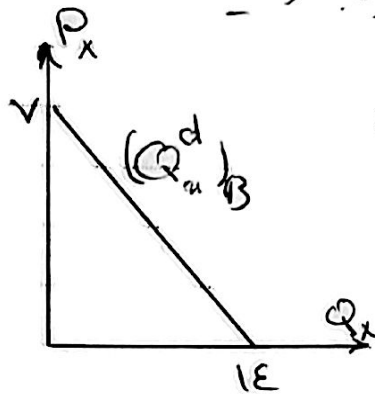
Arman

عدد در تقاضای بازار، از جمع تقاضای تک تک افراد به دست می آید.

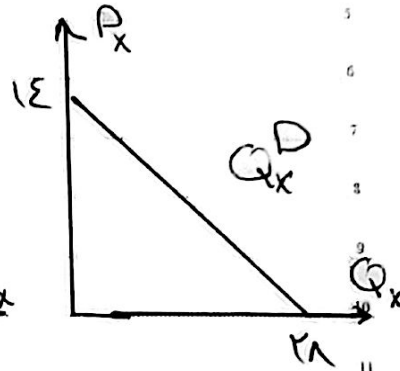
حال به شکل زیر توجه فرمایید:



عدد در تقاضای شخصی X برای مصرف کننده A



عدد در تقاضای شخصی X برای مصرف کننده B



عدد در بازار

دقت کنید

که این نمودار بازار، همیشه این نمودار، از نظر قدر مطلق، بزرگ تر است.

در واقع چون عکس همیشه، نسبت می شود و P را روی محور عمودی می نویسیم و

Q را روی محور افقی،  $\frac{dP}{dQ} = \frac{1}{E}$  نسبت در حالتی قبلی  $\frac{1}{2}$  بوده است.

$\frac{dP}{dQ}$  نسبت

یعنی نسبت مستر شده است.

برای مثال در قیمت V، نه مصرف کننده A حاضر به خرید کالا است و نه مصرف

کننده B. یعنی در تقاضای مصرف کننده A  $(Q_x^d)_A = 0$   $\Rightarrow P = V$  اگر

تقاضای مصرف کننده B  $(Q_x^d)_B = 0$   $\Rightarrow$  Arman  
کننده B

۱  
۲ پس چون تقاضای مصرف کننده A و B هر ۲ به قیمت ۷، مصرف است،

۳ تقاضای باردار نیز در قیمت ۷ برابر مصرفی باشد که این همان عرض انحصاری است

۴ در قیمت این قیمت است که اگر از این قیمت بالاتر برود، هیچکس حاضر به خرید

۵ کالا نیست.

۶ پس اگر بزرگ سوال کردیم که - بعد از این قیمت که برای آن و مقدار مصرف کننده

۷ آن، هیچکس حاضر به خرید کالا نیست، برافقی  $Q = 0$  قدری داریم

۸ و بعد P را بدست می آوریم

۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  $(Q_A^d) = 14 - 2P_A \xrightarrow{Q=0} 0 = 14 - 2P_A$  برای مثال

۱۷  
۱۸  $\Rightarrow P = 7$  قیمت است که در آن مصرف کننده A حاضر به خرید کالا نیست

۱۹ و طبیعتاً در قیمت های بالاتر نیز حاضر به خرید نیست.

۲۰ چون بر اساس مثال، ۲ مصرف کننده دقیقاً یکسان رفتار می کنند، تقاضای

۲۱ باردار نیز مصرف است.

۲۲ از طرفی در قیمت منفی ۰، مصرف کننده A و B هر کدام ۱۴ تا از کالای

۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
Arman

$$(Q_d)_A = (Q_d)_B = 14 - 2P_m \xrightarrow{P=50} Q_A^d = Q_B^d = 14$$

$$Q^D = Q_A + Q_B = 28$$

یعنی خریدن ۲۸ تن در بازار

سپرده تقاضای بازار در هر ای نسبت کمتری به نسبت نمودار تقاضای تک تک

افراد است. این بدان معنی است که نمودار تقاضای بازار جمع افقی

نمودار تک تک صغیر گسترده است.

در واقع در هر قیمتی داریم مقدار تقاضای جمع می‌زنیم.

مثلاً در قیمت ۷، ۲ تا صغیر را با هم جمع زدیم که شد صغیر

در قیمت ۵، ۲ تا ۱۴ را با هم جمع زدیم که شد ۲۸

سپرده تقاضای بازار، می‌شود جمع افقی نمودار تک تک صغیر گسترده

حال اگر تک تک صغیر گسترده، تقاضای آن ماده هم با آن می‌توانیم راحت

تابع تقاضا را در تعداد صغیر گسترده ضرب کنیم. برای مثال در مثال قبل

$$Q^D = 2(Q_A^d) = 2(14 - 2P_m) = 28 - 4P_m$$

Arman

حال اگر مسئله ۱۰۰۰ صرف گفته شده باشد تا نام و تابع تقاضای

کمیتر را بنویسند:

$$Q_m^D = 1000 (P_m^d)_A \Rightarrow$$

حال مثال دوم را بررسی می کنیم:

فردار تقاضا برای حالی بررسی می شود ۲ نفر رضایان مثال هم بنویسند

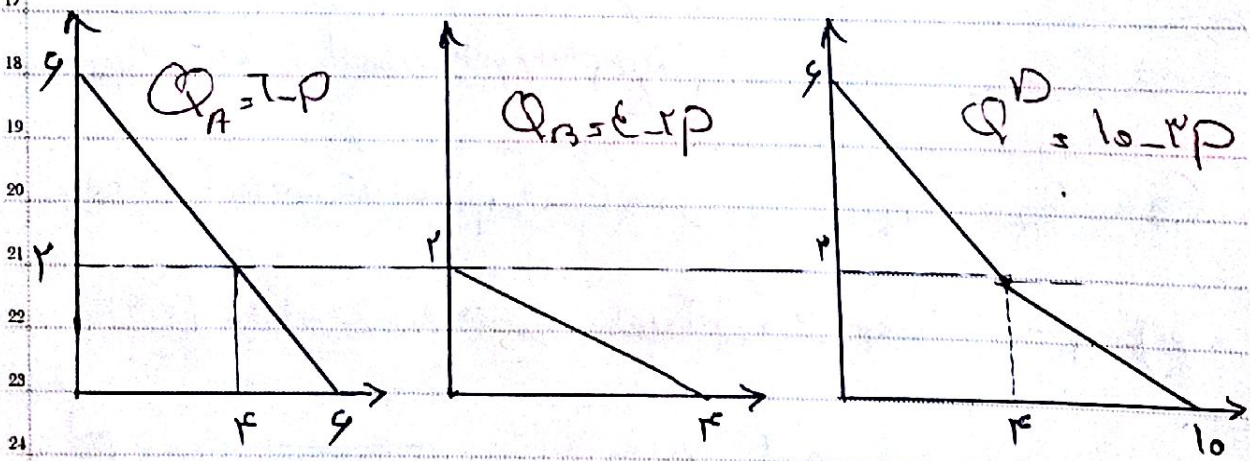
$$(Q_m^d)_A = 9 - p$$

$$\Rightarrow Q_m^D = Q_A^d + Q_B^d = 7 - p + 4 - 2p$$

$$(Q_m^d)_B = 4 - 2p$$

$$= 10 - 3p$$

در مثال قبل، فرد ۲ تابع تقاضای منفی گفته حالی بود روی بدین مثال با هم مقایسه



معنی گفته دوم وقتی قیمت به ۲ تا به بالا اثر که ۲ برسد، حاضر به خرید ۶ است

Arman



نسبت دانه بازار مصرف این کالا خارجی شود. بنابراین در معامله بین قیمت

۲ تا ۲، رفتار بازار با تقاضای بازار، همان تقاضای فرد لول است

(اگر فرض کنیم که همین ۲ مصرف کننده را داریم) حال وقتی که قیمت ۲ کمتر از

۲ می رسد مصرف کننده دوم نیز حاضر به خرید کالا می شود. و در قیمت کمتر

از ۲، می توان، تقاضای ۲ نفر را در هر قیمتی بدست بی آورد.

در قیمت ۲، مصرف کننده لول ۴ واحد خرید می کند

مصرف کننده دوم، ۲ واحد

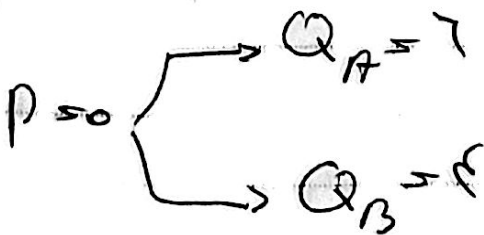
$$\Rightarrow Q = 4 + 2 = 6$$

وقتی قیمت کمتر از ۲ می شود چون مصرف کننده دوم و لول بازار می شود

می توان ۲ نفر را با قیمت ۲ بدست می آوریم

برای این کار کافیست که بینیم در قیمت مصرف  $Q = Q_A + Q_B$

$P = 50$ ، تقاضای بازار مصرف است و معادلی که برای ما می شود را بدست می آوریم

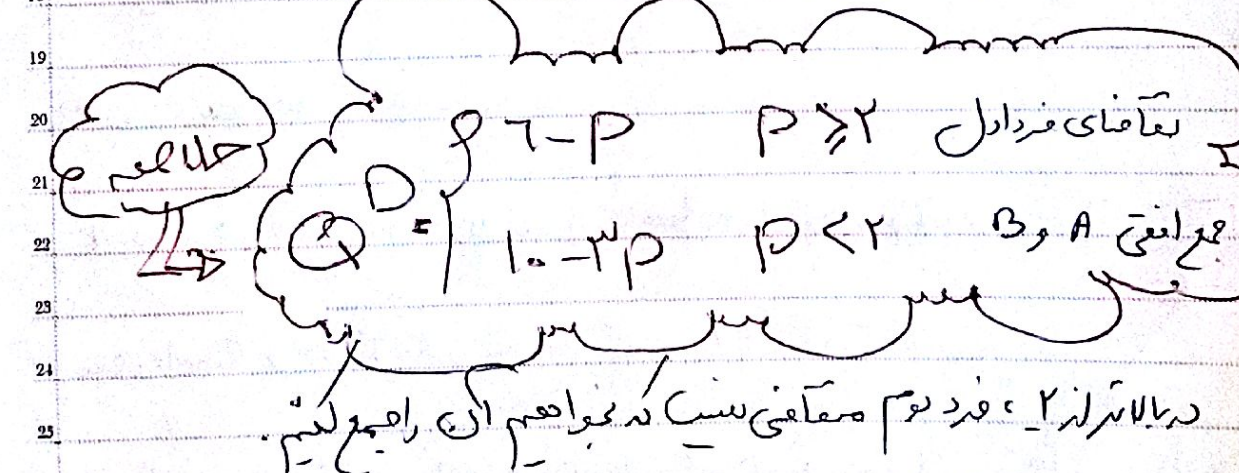


$$\Rightarrow Q^D = 7 + 4 = 11$$

۱  
 ۲ در این حالت به اصطلاحی تقویم مفردانه بارزله حالت *فقط است* *بسیاری گفته*  
 ۳ علت این امر و گشتنی در این قسمت آن است که هر ۲ مصرف کننده در رفتار  
 ۴ مصرف سیال با هم متفاوت است.

۵  
 ۶  
 ۷ *دقت گفته*  
 ۸  $۳P - ۱۰$  مال زمانی است که هر ۲ مصرف کننده در بارزله  
 ۹ باشند. وقت گفته چون تابع تقاضای ۲ مصرف کننده متفاوت است  
 ۱۰ رفتار آن نیز مثل هم نیست. در مثال قبل که تقویم جمع هر ۲ تابع  
 ۱۱ مال زمانی بود که هر ۲ مصرف کننده در بارزله باشند.

۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶ وی در قیمت های ۲ تا ۶ ، تقاضای بارزله آن  $P - ۷$  است  
 ۱۷ که همان تقاضای فرد لول است.



Arman

نسخه‌های زده شده و در تمام مباحث بازرگانی فعالیت می‌کنند، باید بدوید که برای

قیمت‌های زیر ۲، تقاضای بازرگانی ۲۰۰-۲۰۰ و در قیمت‌های بالای ۲۰۰، P

عنوان معتبر گذشته دلیل حاضر به خرید نیست، همان تقاضای فرد اول است.

می‌توانیم تابع تقاضا را به جای آنکه به قیمت Q بنویسیم، به قیمت P بنویسیم.

$$Q = a - bP \Rightarrow P = \frac{a}{b} - \frac{1}{b}Q$$

سوال را بخوانید:

این نمودار در واقعیت، وقتی که قیمت بوی سفید بیاید، تقاضای می‌تواند مایع تعاقب

بیورد (وقتی که حسنی را همانی بدید) یعنی در تقریبی یک که در واقعیت نمودار

بصورت خط راست است.

پایسنگ، در واقعیت این نمودار بصورت خطی نخواهد بود و نمودار تقاضا بصورت

منحنی است و به شکل محدب نسبت به مبدا عمق‌ات است.

اللهم انشاء به قیمت سفید، تقاضای می‌تواند بی‌سود، بسیار درست باشد و بی

Arman

این تقاضا به نسبت زیادی سود درست است

حال به مساله باطل می کنیم:

$$Q^d = 10 - 3P$$

حال سوال این است که در چه قیمتی با چه قیمتی های هیچ معنی نداشته ای

حاضر به خرید کالا نیست ؟

$$Q^d = 10 - 3P \xrightarrow{Q=0} 0 = 10 - 3P \Rightarrow P = \frac{10}{3}$$

جواب می سود،  $\frac{10}{3}$  و بیشتر

بلکه اگر به قیمت  $\frac{10}{3}$  کسی حاضر به خرید کالا نباشد در قیمت های بالاتر

نه  $\frac{10}{3}$  نیز کسی حاضر به خرید نیست.

در صورت سود که جواب می سود  $\frac{10}{3}$  و بالاتر

خود حاصل که بالاتر از حاصل عدد

و جواب  $\frac{10}{3}$  یا جواب بالاتر از  $\frac{10}{3}$  علی التبع.

جواب هیچ می سود،  $\frac{10}{3}$  و بالاتر

سین در مثال های قبلی ، جواب می شود ، لا اولاً و لا ثانياً

معنی عرفه

تقریب عرفه

مقدار کالایی است که یک تولید کننده یا تولید کنندگان حاضرند در یک دوره زمانی ، آن را

به بازار ارائه دهند . را عرفه گویند

در اینجا شب همانند تقاضا ، در دوران داریم . یعنی متغیر جریان است .

مثلاً مقدار عرفه در روز ، هفته یا ماه ، فلان مقدار است .

عرفه را نیز همانند تقاضا ، مقدس را با Q نشان می دهیم . با این

Supply (عرفه) S

تفاوت که به شکل Q

S → supply  
Q عرفه

D → Demand  
Q تقاضا

هائیکو که در یک تقاضا داریم ، در اینجا نیز عرفه یک کالا را که عوامل مختلفی

است ، یکی از عواملی که در عرفه یک کالا اثر دارد ، قیمت آن کالا است . که با همان

Q نشان می دهیم . معمولاً را همان قیمت و میزان عرفه ، یک را همان

Arman

ی بایست یعنی

وقتی قیمت یک کالا افزایش پیدا می کند، مقدار عرضه افزایش می یابد و برعکس

سایر عوامل مثل هزینه های تولید و سود که روی عرضه تأثیر می گذارند

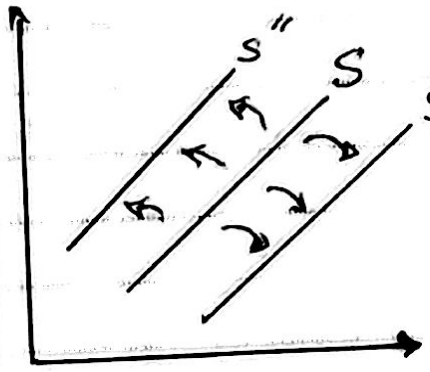
ولی در یک فضای ۲ بعدی همه عوامل دیگر را ثابت فرض می کنیم

یعنی در یک جدول وصفی عرضه، فقط رابطه بین قیمت و مقدار عرضه را

نشان می دهیم و اثر سایر عوامل مانند طریق انتقال نمودار عرضه، بررسی

می کنیم. (مانند تقاضا)

س ← وقتی منفی عرضه را رسم می کنیم، همه عوامل را که روی عرضه



تأثیر گذارند، ثابت فرض می کنیم یعنی قیمت

و عواملی که همواره نسبت مثبت دارند را رسم می کنیم

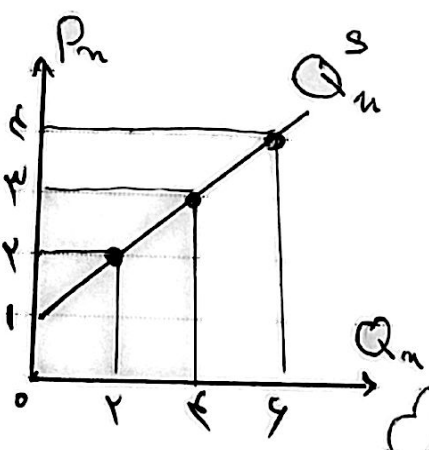
اثر سایر عوامل، یکی از آنها با تعدادی از آنها

تفسیر کرد، منفی عرضه جایابی شود، بایست راست یا چپ

Arman

حال این که بر عواطفی که روی عرفه اندازند هیچ حسدی  
 نوقم کنند که صفتی عرفه مثل تقاضا، همای تصویرت یک رابطه خطی نسبت  
 وی تواند حالت صفتی باشد با نسبت فزاینده هم معنوی رسم می شود.  
 ممکن است عرفه از صبادان باشد.

نه ثان می دهد، حداقل قیمتی که باعث می شود عرفه کشیده حافظ شود



محصول خود را به بازار عرفه کشید چه قدر است.  
 برای مثال در مورد در برابر حداقل قیمتی که  
 باعث عرفه محصول به بازار می شود قیمت یک

می باشد. البته می گویم که این اصطلاح (ع) بالاتر

که قیمت یک بازار یک باشد، مقدار عرفه صفر است و صفتی عرفه ما از  
 کمی بالاتر از یک است که نسبت متعادل می شود.

در واقع وقتی قیمت یک بازار یک باشد، مقدار عرفه صفر می شود.

در می بینیم که این عرفه کشیده یا هیچ عرفه کشیدی (اگر عرفه عرفه بازار باشد)

Arman

حافظه عرفه معمول در قیمت های تک و پانزده نسبت

بنا بر این می توانیم این سوال را مطرح کردیم

حد اقل قیمتی که باعث عرفه معمول به بازگردد، چند است.

جوابش می شود اینکه در تمام عرفه  $Q_n^S = 0$  قرار دهد و گفتیم که باید

و جواب می شود  $P_n$  و بالاتر از آن قیمت

دیک فرم کلی مقدر عرفه بصورت یک رابطه خطی ممکن است نشان داده شود

$$Q_n^S = a + b P_n$$

با فرض  $b > 0$

مقدور عرفه  $P_n + b$  را برای  $a$  کند

حال اگر همان  $a$  را به یک فرم کلی بدهیم که حد اقل قیمتی که باعث

عرفه معمول به بازگردد چند است؟

حاصل آن است که  $Q_n^S = 0$  و  $P_n$  را بدست آوریم

$$0 = a + b P_n \rightarrow P_n = \frac{-a}{b}$$

این در واقع همان

عرفه لزوماً نمی تواند است.

ولی فراموش نکنیم که جواب ما  $P_n$  و بالاتر از عرفه لزوماً می باشد

Arman



بگذارید در سوال را مطرح می کنیم.

$$Q_m^S = -10 + 2P$$

فرض کنید که تابع عرضه کالای صورت

می باشد. حداقل قیمتی که باعث شود تولید کننده برای عرضه محصول به بازار می رود

چقدر است؟

$$Q_m^S = -10 + 2P \xrightarrow{Q=0} 0 = -10 + 2P$$

$$\Rightarrow P = 5$$

جواب:  $5 + 4$  یا کمی بالاتر از  $5$

اگرچه قیمت  $5$  و بالاتر از آن، مال بخت تقاضا بود. که گفتیم نه اگر سوال شود

به اندازه  $5$  قیمتی هیچ معرفت کننده ای حاضر به عرضه این کالا نیست، در واقع،

هم در مورد را به ای کنیم و می گویم مثلاً  $5$  و بالاتر

دری در اینجا باعث عرضه صفر است و حداقل قیمت رای خواهد بود.

فردا موش شود نه قیمت  $5$ ، حداقل قیمت باعث شود تولید کننده نیست

$$Q = 0 \text{ (در } P=5 \text{)}$$

Arman

این ع در بازارهای مختلف فرق می کند

باید ع بالاتر نهد

مثلاً اگر بازار بزرگ باشد، مثلاً قیمت حدود ۳۰ هزار تومان می خرید

حد اقل قیمت آن می شود ۵۰ + ۲۰ (ع آن برابر ۷۰ هزار است) هزار تومان

یعنی ع در بازار بزرگ، ۵۰ تک تومان است.

ولی در بازار خودر ممکن است این ع بگردد ۷۰ هزار تومان

ع، مفهوم عددی است در بازارهای مختلف فرق می کند (در اقتصاد)

عواملی که باعث انتقال نمودار عرضه به راست یا چپ می شود

در آن رسم نمودار است در آن گره بودن را مطرح می کنیم

یکی از آن عوامل: قیمت سایر کالاهاست یعنی قیمت خود کالا

یعنی مثلاً بعضی کالاها عرضه بزرگ است یعنی از قیمت خود بزرگ است، قیمت

سایر کالاها نیز در عرضه بزرگ می تواند اثر بگذارد

در یک تقاضا، قیمت سایر کالاها را کمتر قیمت کالاهای مرتبط

Arman

۱ که کالاهای مرتبط ، جانشین و مکمل بودند -

۲ در بحث عرضه لذت‌ها جانشین و مکمل استقاده نمی کنیم

۳ حال این سوال مطرح است که چگونه سایر کالاها در روی عرضه صورت می‌گیرد؟

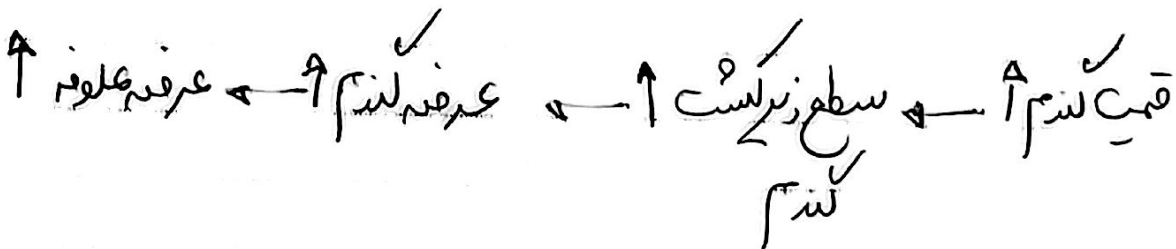
۴ مثلاً می‌خواهیم ببینیم که چه عاملی روی عرضه لذت‌ها اثر دارد. یا به عبارتی بگوییم:

۵ چه عاملی باعث افزایش عرضه علاقه می‌شود؟

۶ می‌دانیم که وقتی قیمت لذت افزایش یابد ، سطح زندگی لذت ، افزایش می‌یابد ،

۷ عرضه لذت زیاد می‌شود ولی به دنبال آن ، عرضه علاقه (سابقه لذت) نیز

۸ بیشتر می‌شود.



۹ وقتی افزایش قیمت لذت باعث افزایش قیمت علاقه نیز شده است. چون

۱۰ لذت همسویی است که تولید آن ، همراه با تولید علاقه است. پس

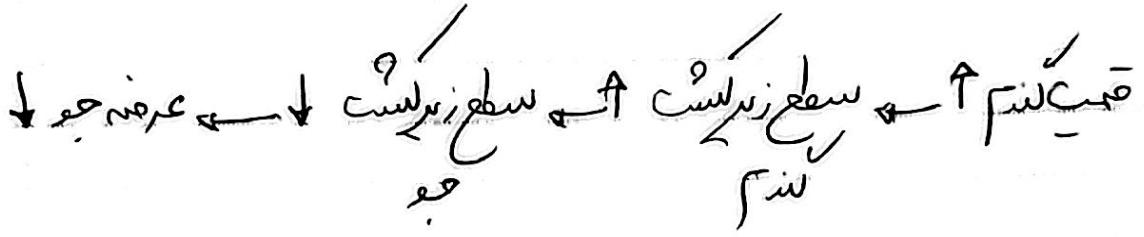
۱۱ ← افزایش قیمت لذت ، باعث افزایش عرضه کالای دیگر شده است.

Arman

ولی لزوماً انقباض نیست که ارتباط یک ارتباط مستقیم باشد. می تواند  
ارتباط معکوس نیز باشد.

مثلاً با افزایش قیمت کتف، ممکن است کاهش تقسیم طلبند

سطح زیرینست معمولاً حاملین کتف را کاهش دهند مثلاً افزایش قیمت  
کتف ممکن است عرضه خود را به عنوان کتف حاملین کتف کاهش دهد.



سپس افزایش قیمت کتف، اثر منفی بر عرضه خود دارد است.

نیاید این لزوماً انقباض نیست که قیمت یک کالا و عرضه کالای دیگر، ارتباطی مستقیم  
باشد.



حاصل می آید از عوامل قیمت سایر کالاها است.

کله کالای مرتبط با کالای خاص و ممکن است کاهش قیمت

(در یک عرضه)

علم و رسم . نظارات قهوه

اعتقاد افراسیبه قهوه بی کمال ، جانور که روی نقاشی برای بی کمال افراسیبه روی

عمره بی کمال نیز اندر کرد

نظارات افراسیبه قهوه بی کمال ، عمره آن کمال را کم می کند

حول عمره لشکران بنوالمذله آن افراسیبه قهوه بی کمال ، توقع بیرون عمره فعلی

حصول را کاهش می دهند

الذبحه برقی وقت ها معصوم اعتقاد را نیز بخود می کشد که جای بخت ندارد

نظارات کاهش قهوه بی کمال ، عمره آن کمال را افراسیبه می دهد

ملاذمت خوردن ، نظارات قهوه بی کمال ، سیاست هایی که دولت و وزیر جدید

درسی گرفته و تلاش شده (حفاظت در بیان) اکتفا بر تولد خوردن در کشور کشته

سود وی خوانده و در آن خوردن از آن کند (سأله الله) یا لا اقل به زبان عین

عینی گفته شد است ، نظارات کاهش قهوه بی کمال ، بازره ایجاد می کند و باعث

می شود که عمره خوردن افراسیبه بی کمال ، خنثی از خود بود ها که در پارکنت ها

Arman

۱  
۲ خواهش بود. الان در بازار و در دسترس است. یعنی خود خود در بازار نیز

۳  
۴ صریحاً طرح های فروش فوق العاده و فروش مازادی می کنند. این اتفاقات

۵  
۶ کسب عمده ای از آن ناشی از انظار است

۷  
۸ انظار افزایش عرفه را کم می کند

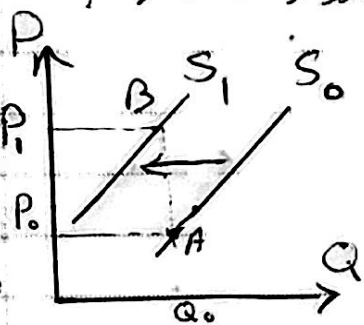
۹  
۱۰ انظار تقویت  
۱۱ کالا

۱۲ انظار کاهش عرفه را زیاد می کند

۱۳ عامل دیگری - قیمت نهاده های تولید -

۱۴  
۱۵ اگر نهاده های تولید یک کالا، قیمتشان افزایش یابد، قیمت تمام شده محصول

۱۶  
۱۷ افزایش می یابد و در هر سطحی از عرفه، قیمت بالاتری برود و مقدار عرفه در

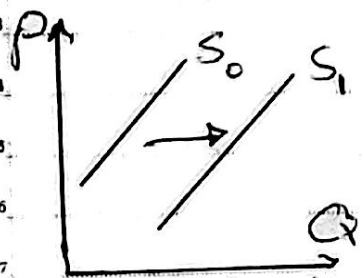


۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲ افزایش قیمت نهاده تولید

۲۳ قیمت می رود

۲۴  
۲۵ فروش می کنیم در نقطه A با قیمت P0

۲۶ مقدار Q عرفه می شود. حال اگر قیمت نهاده ها

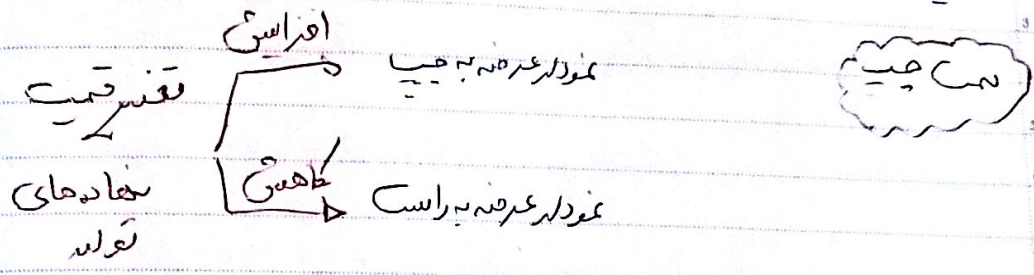


۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰  
افزایش عرفه

کالا را عرفه کند، قیمت بالاتری را طلب می کند

Arman  
قیمت نهاده تولید

معنی هم نشاء روی معنی قسمت بالا مستقل می شود اصطلاحاً می نویسیم



حال در یک مکان، کمی از عواملی که قسمت نقد های تولید را بالا می برد، می باشد

نرخ اند است - نرخ نیز اثر بالا برد، اثر آن نقد های تولید و وارداتی باشد

قسمت نقد های وارداتی افزایش می یابد و قسمت محصول نقد است می یابد

مورد عرضه به بیاب

نرخ ارز ↑ ← نقد های ↑ ← قسمت محصول ↑  
 وارداتی تولید

برای سال نقد های دام و طیور وارداتی هستند - بلا دان مرغ،

وارداتی است. وقتی قسمت نقد نقد است می یابد قسمت نقد های تولید دام و طیور

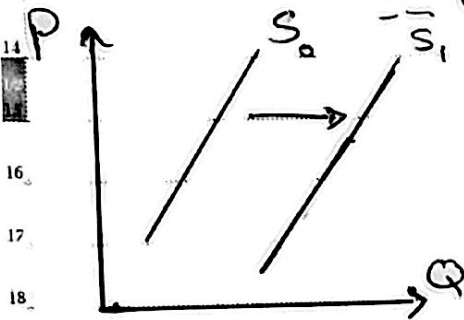
هم نقد است می یابد، قسمت تمام شده مرغ بالا می رود و مورد عرضه

آن به بیاب می رود (بالا) یعنی عرضه می رود بالا و این معنی روی قسمت می ندارد

۱  
 ۲ **نسی** : افزایش قیمت نهاده ها، قیمت تمام شده محصول را بالا می برد و  
 ۳  
 ۴ عمود را عرفه را بالا می برد یا به نسبت  $S_1$  مستقل می کند.

۵  
 ۶ عامل بعدی : **بیم‌رفت تکنولوژی**

۷  
 ۸ **بیم‌رفت تکنولوژی** عکس این اثر را دارد  $S_1$  تکنولوژی **بیم‌رفت** کند  
 ۹  
 ۱۰ قیمت تمام شده محصول پایین می آید و باعث می شود که هر نقطه ای که  
 ۱۱ روی منحنی عرفه راست باشد  $S_1$  آن نقطه **بالین** بیاید.



۱۲  
 ۱۳ یعنی قیمت تمام شده محصول در هر مقصدی از عرفه

۱۴  
 ۱۵ گاهایی می یاید و عمود را عرفه به نسبت  $S_1$

۱۶  
 ۱۷ مستقل می شود. (به نسبت راست)

۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱ **نسی** **بیم‌رفت تکنولوژی** و دانش منی عمود را عرفه را به نسبت راست  
 ۲۲  
 ۲۳ مستقل می کند.